



گذری بر نسخه دکتر «علی طیب نیا»، وزیر اقتصاد دولت یازدهم برای بازار سرمایه

پیشنهادات ۱۴ گانه بزرگ توسعه بورس ۷ ساله

عکاس: آکوسامی

او رکورد بیشترین رای اعتماد به یک وزیر از مجلس را در تاریخ سیاسی جمهوری اسلامی ایران در کارنامه خود دارد، ۲۷۴ رای از ۲۸۴ رای. موافقت ۹۶٫۵ درصدی نمایندگان مردم با برنامه‌های وزیر اقتصادی دولت یازدهم، راه را برای تحقق طرح‌های هموارتر کرده است. دکتر علی طیب نیا نسخه درمانی اقتصاد ایران را در ۱۱ محور اصلی تدوین کرده که اتفاقاً بازار سرمایه هم یکی از آن‌هاست. حوزه‌های اقتصادی مورد توجه وزیر که سرفصل‌های هر کدام هم به تفضیل از سوی وی ارائه شده به شرح زیر دسته بندی شده‌اند:

- نظام گمرکی؛
- نظام بانک و بیمه؛
- نظام مالیاتی؛
- بازار سرمایه؛
- نظام سیاست گذاری و اصلاحات ساختاری؛
- بهبود محیط کسب و کار؛
- فساد ستیزی و انضباط مالی - اداری؛
- سرمایه گذاری خارجی؛
- خصوصی سازی؛
- هدفمندی یارانه‌ها؛
- توسعه زیرساخت‌های جامعه و اقتصاد

الکترونیکی

برای نخستین بار توجه به نظام‌های مالی اقتصاد ایران در برنامه‌های طیب نیا، به تفضیل مورد بررسی قرار گرفته تا جایی که نه تنها سهم بازار سرمایه به صورت پرتنگی دیده شده، بلکه در ۱۴ بند راهکاری به توسعه این بازار نیز ارائه شده است. در بخشی از برنامه‌های وزیر به صراحت بر توازن میان بازارهای پول و سرمایه تاکید شده، به گونه‌ای که تمرکز بعضی دیگر از بخش‌های برنامه نیز به طور غیرمستقیم بر تقویت بازار سرمایه متمرکز شده است.

چرا پول و سرمایه توازن ندارند؟

در طرح موضوع وزیر از نبود توازن میان بازارهای سرمایه و پول اشاره شده که «عدم شکل گیری یک بازار سرمایه منسجم و کارآمد و بانک محور بودن بازار مالی موجب شده است بانک‌ها برای تامین منابع مورد تقاضا به بانک مرکزی وابسته شده و به این دلیل، کارکرد سیستم بانکی خود به عاملی تورم‌زا همراه با اختلال در امور تولیدی تبدیل شود. از طرف دیگر اگر بانک‌ها در تامین نیازهای مذکور ایفای نقش نکنند، بنگاه‌های اقتصادی بدون برخورداری از یک سازوکار مطمئن تامین مالی، نمی‌توانند از رکود خارج

شوند و سازوکارهای موجود چنین شرایطی را فراهم نمی‌کند. سؤال اصلی اینست که نظام بانکی تحت چه شرایطی و به چه میزان قادر خواهد بود تغذیه‌کننده بنگاه‌های اقتصادی به منظور ایجاد شغل در مقیاس‌های بسیار بزرگ مورد نیاز باشد. از سوی دیگر، هر چند نظام مالی در اقتصاد ایران بانک محور است و بازار سرمایه نقش مسلط را در آن ایفا نمی‌کند، اما توسعه این بازار می‌تواند شکل جدیدی از تجهیز و تخصیص منابع را در اقتصاد ایران ایجاد کند. به عبارت صریح تر باید به بازسازی و تقویت بازار سرمایه کشور اقدام کرد تا مانع از پیچیده‌تر شدن مشکلات شود.»

از ضعف بازارهای مالی تا بازار سرمایه

اما وزیر اقتصاد دولت یازدهم، در گامی فراتر به ریشه‌یابی معضلات بازارهای مالی پرداخته و

هر چند نظام مالی در اقتصاد ایران بانک محور است و بازار سرمایه نقش مسلط را در آن ایفا نمی‌کند، اما توسعه این بازار می‌تواند شکل جدیدی از تجهیز و تخصیص منابع را در اقتصاد ایران ایجاد کند

خارجی با توجه به تحریم‌های اقتصادی غرب ■ مشکلات ناشی از تحریم‌ها در خدمات مالی، بیمه و حمل و نقل بویژه حمل و نقل هوایی نحوه تداوم اجرای طرح هدفمند کردن یارانه‌ها از دیگر چالش‌هایی است که غفلت از آن ممکن است به وضعیت نامطلوب اقتصادی کشور دامن بزند. عدم طراحی جامع و اجرای غیر صحیح قانون مربوط، موجب شد فرصت طلایی ایجاد شده در مقیاس مدیریت عالی کشور مورد استفاده درست قرار نگرفته و پس از تحمیل مشکلات زیاد بر اقتصاد کشور، مجدداً ضرورت باز طراحی و اجرای صحیح این مهم در اولویت قرار بگیرد. امروزه شاهد بروز مشکل در بخش‌های تولیدی، به ویژه بخش زیربنایی، هستیم و همچنین به دلیل عدم توجه به الزامات اصلاح قیمت‌ها، به خصوص اصلاح نظام بانکی و اصلاح نظام ارزی، ضمن اینکه بنگاه‌های اقتصادی و مردم دچار مشکل شدند ولی همچنان قیمت‌های فعلی همچون سنوات قبل از اجرای این طرح با قیمت‌های منطقه‌ای فاصله دارد.»

و اما ۱۴ راهکار برای توسعه بازار سرمایه

طیب نیا در نهایت ۱۴ راهکار برای خروج بازار سرمایه از شرایط فعلی پیشنهاد کرده است. وی قبل از اشاره به راهکارها، بار دیگر از تثبیت بازار سرمایه در برابر بازار پول سخن می‌گوید و بازار سرمایه را مرجعی برای شناسایی کارایی کل اقتصاد قلمداد می‌کند.

وی در نسخه پیشنهادی به شرح زیر توضیح می‌دهد:

«بازار مالی ایران برای پاسخگویی به نیازهای مربوط از توانایی لازم بر خوردار نیست، به همین دلیل، بنگاه‌های اقتصادی کشور عمدتاً بانک محور شده‌اند. طبیعی است این وضعیت نمی‌تواند دوام داشته باشد. اکنون توازن بین بازار پول و سرمایه یک اولویت است. بازارهای پول و سرمایه همانند دو بال برای حرکت اقتصاد عمل می‌نمایند. بنابراین، این دو بال باید هماهنگ عمل نمایند. اکنون بیشتر بار نظام اقتصادی بر دوش بازار پول قرار دارد و بازار سرمایه که توسعه آن نشانه کارایی اقتصادی است، از جایگاه مناسبی در اقتصاد برخوردار نیست؛ لذا تلاش برای توازن و هماهنگی این دو بازار چه از لحاظ وزن و چه از لحاظ جهت‌گیری‌ها و با هدف بهسازی ساختار مالی کشور و افزایش نقش بازار سرمایه در تامین مالی صنعت، اقدامات و اولویت‌های راهبردی زیر

ضعف این بازارها در ارتباط با ضعف بازار سرمایه بر شمرده است. وی معتقد است:

«بازارهای مالی کشور با مشکلات دیگری هم مواجه است که عمده‌ترین آنها، که به نوعی به بازار سرمایه ارتباط پیدا می‌کنند به شرح زیرند:

- عدم تنوع در ابزارهای تأمین مالی در بازار سرمایه و توجه عمده مشتریان به تأمین مالی در بازار پول
- عدم توسعه و تعمیق بازار سرمایه و اتکا صرف به منابع نظام بانکی و محدودیت ابزارها و خدمات مالی
- فقدان انگیزه کافی بنگاه‌ها برای تامین مالی از طریق بازار سرمایه به دلیل پایین بودن نرخ تسهیلات بانکی و بالا بودن هزینه تأمین مالی از بازار مذکور
- مشکلات تامین مالی از طریق منابع

- در دستور کار قرار خواهد گرفت:
- ۱- توسعه بازار سرمایه و هدایت شرکتها به تأمین مالی از بازار سرمایه؛
 - ۲- کنترل آثار حساسیت بازار سرمایه به سیاستهای متخذه ارکان نظام؛
 - ۳- ایجاد شفافیت اطلاعاتی در بازار سهام با هدف اعتماد آفرینی و گسترش عدالت؛
 - ۴- تفکیک تأمین مالی خرد و کلان و هدایت نظام بانکی به سمت تأمین مالی کلان و سایر مؤسسات غیر بانکی به تأمین مالی خرد؛
 - ۵- کمک به تشکیل شرکتهای انجام خدمات حرفه‌ای مالی برای ارائه خدماتی در زمینه اخذ تسهیلات از بانک‌های مختلف، حساب‌ذخیره ارزی، تأمین مالی از بانک‌های بین‌المللی نظیر بانک جهانی، بانک توسعه اسلامی؛
 - ۶- تسهیل در تشکیل شرکت‌های مشاوره تأمین منابع مالی به عنوان حلقه واسط تسهیلات گیرنده و تسهیلات دهنده؛
 - ۷- افزایش واگذاری‌های اصل ۴۴ با تأکید بر واگذاری مدیریت به بخش خصوصی؛
 - ۸- جذب سرمایه‌های بین‌المللی از طریق سرمایه‌گذاری به شکل سبد دارایی (پر نفولیو)؛
 - ۹- طراحی و تصویب ابزارهای متنوع‌تر از جمله انواع دیگر اختیارات و قراردادهای سلف کلاسیک، مدیریت ریسک جامع ابزارهای مالی اسلامی و تعیین تکلیف خرید اعتباری و فروش استقراضی با ملاحظات شرعی و قانونی؛
 - ۱۰- بازنگری نقش نهادهای اجرایی و نظارتی با نقش تسهیل‌کنندگی بیشتر در بازار سرمایه؛
 - ۱۱- افزایش تعامل بیشتر با بازار پول و بانک مرکزی و بیمه مرکزی و تعریف ابزارهای مشترک بین بازارها؛
 - ۱۲- افزایش فعالیتهای بورس‌های کالایی (افزایش دامنه معاملات بورس انرژی) و افزایش معاملات کالاهای کشاورزی)؛
 - ۱۳- افزایش معاملات الکترونیکی و مرسوم سازی معاملات الگوریتمی و...؛
 - ۱۴- گسترش مشاوره‌های تخصصی در تحلیل در بازار سرمایه و تجهیز بیشتر نرم‌افزاری بازار سرمایه.»

۹ گام تا خصوصی سازی واقعی

خصوصی سازی در اقتصاد ایران از کانال بازار سرمایه، دغدغه بعدی وزیر اقتصاد است که نه تنها در مقدمه برنامه‌های وی به آن اشاره شده، بلکه در ۹ بند راهکاری تحقق آن نیز آمده است. در مقدمه بحث خصوصی سازی در برنامه وزیر این گونه آمده است:

«خصوصی سازی در اقتصاد ایران نیز یکی از مسائلی است که عدم توجه لازم و البته صحیح به آن، مشکلات ساختاری اقتصاد را عمق می‌بخشد، ابلاغ سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی فرصتی استثنایی را برای اقتصاد ایران فراهم آورد تا بتواند با بهره‌گیری از آن، با تبدیل نظام اقتصادی دولت - بازار به نظام اقتصادی بازار - دولت، به افزایش بهره‌وری و رشد تولید در اقتصاد کمک کند، ولی در عمل این هدف تحقق

شکل اجرای سیاست های کلی اصل ۴۴ منجر به آن شد که بنگاه های بزرگ در قالب مالکیتی شبه دولتی قرار گیرند که به دلیل پیامدهای منفی ناشی از حاکمیت شرکتی در قالب جدید و تشدید ضعف نظارت پذیری، مهم ترین بخش تولیدی کشور را در معرض کاهش بیشتر بهره‌وری قرار داد

ترین بخش تولیدی کشور را در معرض کاهش بیشتر بهره‌وری قرار داد.»

وی در ادامه به تشریح راه‌های برون رفت از وضعیت خصوصی سازی کشور اشاره می‌کند. «وزارت امور اقتصادی و دارایی با رویکرد تقدم بخشی به بخش خصوصی واقعی در واگذاری‌ها و ایجاد بسترهای لازم جهت توسعه و توانمند کردن بخش خصوصی، اقدامات راهبردی زیر را در حوزه خصوصی سازی بر اساس قانون اصل ۴۴ قانون اساسی در دستور کار قرار می‌دهد:

■ شناسایی موارد تعارض در برخی قوانین مهم جاری با سیاستهای کلی اصل ۴۴ و چهارم (۴۴) و رفع آن با همکاری مجلس شورای اسلامی مانند قوانین مهمی از قبیل «تعاون» و «تجارت» و همچنین قوانین «امور گمرکی»، «مالیاتی» و «بانکی»؛

■ تسریع در تکالیف باقیمانده در قانون اجرای سیاستهای کلی اصل ۴۴ و چهارم (۴۴) به ویژه در بعد رفع موانع سرمایه‌گذاری و مقررات زدایی و رفع تبعیض بین بخشهای دولتی و غیردولتی و توانمندسازی بخشهای تعاونی و خصوصی و نیز ارسال لوایح مورد نیاز در خصوص نحوه اجرای سیاستهای کلی اصل ۴۴ و چهارم (۴۴) در بخشهای فرهنگ و آموزش و تحقیقات و بهداشت و درمان؛

■ انتقال هر چه سریعتر مدیریت شرکتها و واگذار شده به بخشهای غیردولتی و نیز انتقال مالکیت و مدیریت سهام عدالت به مردم؛

■ رعایت اولویت اعلام شده در ماده (۲۰) قانون و محدودسازی عرضه‌های بلوکی سهام؛

■ توانمندسازی و تقویت بخش‌های خصوصی و تعاونی برای ورود فعالتر در واگذاریها و نیز سرمایه‌گذاران؛

■ تقدم واگذاری شرکتهای گروه (۱) نسبت به گروه دو، به نحوی که امکان حضور بخشهای خصوصی و تعاونی در خرید سهام شرکتهای بزرگ و صدر اصل ۴۴ و چهارم (۴۴) تا پایان سال ۱۳۹۳ فراهم شود؛

■ تقویت شورای رقابت و مرکز ملی رقابت؛

■ فراهم سازی خط اعتباری برای تأمین مالی سرمایه‌گذاری‌های بخشهای غیردولتی از خارج کشور، با توجه به تأکید احکام مواد (۸۴) و (۸۵) قانون برنامه پنجساله پنجم توسعه جمهوری اسلامی ایران؛

■ اصلاح ساختار و تصحیح روند اجرای طرح توزیع سهام عدالت.

نیافت. علت اصلی بروز این مشکل عدم توجه سیستمی و جامع به همه اجزای سیاست‌های کلی اصل ۴۴ به ویژه به بندهای «الف» و «ب» آن می‌باشد، توجه محدود به خصوصی سازی و محدود کردن خصوصی سازی به انتقال مالکیت به بخش خصوصی نمی‌تواند اهداف سیاست‌های کلی اصل ۴۴ را محقق کند، به ویژه اگر با فراهم آوری محیط مساعد کسب و کار نیز همراه نباشد به افزایش درآمدزایی اقتصاد و توسعه بخش خصوصی منجر نخواهد شد. شکل اجرای سیاست‌های کلی اصل ۴۴ منجر به آن شد که بنگاه‌های بزرگ در قالب مالکیتی شبه دولتی قرار گیرند که به دلیل پیامدهای منفی ناشی از حاکمیت شرکتی در قالب جدید و تشدید ضعف نظارت پذیری، مهم